

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامه شما که بتاريخ ۵ ذی حجه ۱۳۳۹ بود رسید مرقوم نموده بودید که جمیع حسابها را صاف کردم و در پاکت گذاشته ارسال نموده بودم آن پاکت رسید حاجی یوسف متّحده بواسطه بغداد یک فقره پانصد جنبه و فقره دیگر سیصد جنبه ارسال نموده مرقوم نموده بودید امورات ملکی کل در تغییر و تبدیل است لهذا معاملات کل مختل امیدوارم که بهمت اولیای امور این تغییر و تبدیل استقرار یابد و عدل و انصاف بمیان آید و معاملات انتظام جوید حضرات مبلغین مانند نبیلزاده و مطلق فی الحقیقه جانفشانند الحمد لله اجبای الهی در امور سیاسی مداخله نمی نمایند بخدا مشغولند و بتأسیسات الهیه مألوف بتحسین اخلاق ملت میپردازند و بتسکین نفوس همت میکنند تا بنیه ملت قوت گیرد و چون بنیه قوت گیرد جمیع امراض و علل سائر مندفع گردد

اما عبارت عبدالبهاء که این گلهای مختلف اللون و مختلف العطر زینت بستان الهیست این بیان خطاب بطائفه سفید و طائفه سیاه امریکاست زیرا اهل عالم بر پنج رنگ اند یک قسم سفیدند مانند فرنگیان یک قسم سیاهند مانند اهالی سودان و سیاهان امریکا و یک قسم زردند مانند جاپان و اهل چین و یک قسم سبزه اند مانند عرب و یک قسم سرخند مانند اهالی اصلی و قدیمی امریکا و میانه این الوان جنگ و جدال علی الخصوص بین سفیدان و سیاهان و سرخان امریکا لهذا از فم عبدالبهاء صادر که نباید این الوان با یکدیگر درآویزند بلکه باید بیامیزند زیرا این اختلاف بشر در الوان مانند اختلافیست که در انواع گلهای گلستانست و سبب زینت بوستانست و الا یک کلمه اختلاف در میان احبّا هادم بنیانست باری امید چنان که یاران موافق عاشق و آشفته یکدیگر باشند هر یک جان فدای دیگری نماید و خود را خادم دیگران شمرد نه مثل بعضی خود را ممتاز از کل میشمزند و کوس لمن الملکی میزنند باری همانست که مرقوم نموده بودی باید نسبت بحق در مقام تسلیم و رضا بود و غرق در دریای شکران الحمد لله رایت الهی بلند است و انوار اشراق در جمیع آفاق تابنده الحمد لله چشم شما حال با وجود تقدّم سنّ خوب میبیند و مکاتیب را خوب مینگارید و الحمد لله معاون دارید قدر میرزا مهدی شریک خود را بدان و پیام و تحیّت ابدع ابھی از قبل من باو برسان و علیک البهء الأبھی

حیفا

۱۰ صفر ۱۳۴۰

عبدالبهاء عباس

جناب امین مکتوب جوف از بنده خاضع خاشع صادق جمال مبارک شوقی افندیست که بکمال تعجیل مرقوم نموده است چون حوادثش سبب سرور ثابتین است ارسال میگردد ع ع

هو الأبھی

سیدی و منتهی املی و مولای الحنون چگونه ستایش و نعت امر مبارکت را نمایم که در این مدینه کبری شهر منچستر که اهالی از تمام طبقات غافل و غرق مادّیاتند همچو نفوس خالصه مومنه مبارکی مبعوث نمودی سراجی در این مدینه روشن نموده‌اند که از اول طلوع امر در جزایر انگلستان همچو نوری و همچو شعله‌ئی ملاحظه نگشته حسب الوعده‌ئی که چندی پیش باحبّای منچستر داده بودم دیشب را در نهایت اشتیاق بالبهسه ایرانی یعنی کلاه ایرانی در مجمع احبّا حاضر گشتم دسته‌ئی هستند که مثل و مانندی جز در ایران نداشته و ندارند عدّه‌شان قریب به سی نفر همگی از طبقه رنجبران فقیر و محتاج در زیر زمین محفل امری آراسته‌اند و زن و مرد با اطفالشان در بغل مسافاتی طویّ نموده شبانه باین محفل می‌آیند مرا چنان در بغل گرفته‌اند که بی‌اختیار متأثر گشتم علی‌الخصوص آن خانمی که گیسوی مشکینش را وقف مشرق‌الأذکار نموده بحدّی مفلوک و محتاج است که منزل درستی ندارد که بکسی ارائه دهد چه رسد بمهمانداری پدرش ازین عالم رفته و مادرش چون ایرلندی است کاتولیک متعصب و از دخترش بی‌زار معذک این زن لوح مبارک را که چندی پیش از برایش نازل شده در دست گرفته بیک شور و شعله‌ئی با احباب معاشرت و مصاحبت می‌نماید و باین عنایت افتخار میکند که چه عرض نمایم سه ماه نیست بنور ایمان فائز گشته و هر ساعتی از ساعات حیاتش را وقف تحصیل امری و مطالعه نجم باختر و البشاره می‌نماید چه قدر شیفته لسان فارسی است و هیچ فکری جز خدمت امر ندارد چون لوح مبارک ارائه نمود و خواهش کرد که در مجلس بلحن قرائت نمایم بدرجه‌ئی از شیرینی عبارات و استعارات مندرجه در آن لوح متأثر گشتم که بی‌اختیار اشکم جاری گشت و سایرین هم حالشان منقلب محفلی داشتیم بعینه مانند محافل احبّا و دوستان ایرانی و تا نصفه شب صحبت و گفتگو میکردیم بتدریج نفوس آگاه میشوند و این محفل حقیر زیرزمینی از حرارت این چند نفر اتّسع و اهمّیت پیدا میکند از جمله کشیشی که نامش مستر هیلیس Healds است در زمره یاران داخل شده و در نهایت شیرینی صحبت میکند و آن عبارات و استعارات فصیحّه بلیغه مبشّرتین را در مدح و ستایش حضرت بهاءالله بیان میکند و تأثیر کلامش عجیب امروز را دو مجلس خواهم داشت و یکی از آن در منزل او خواهد بود هرچند این دسته‌ئی مشتّت و دور از یکدیگرند ولی چون روز مجلس میرسد اقربایشان را گذاشته اطفالشان را در بغل میگیرند و پیاده بمرکز محفل می‌شتابند چه قدر حال اطفالشان شباهت بحال اطفال احبّای آلمان دارد که تفصیل آن را از لسان مبارک و بعضی از احبّا که به آلمان و اشتوتگارت سفر نموده‌اند شنیده شده دو سه نفر از احبّای ایرانی موجود و هر سه دو برادرند و از اقربای متّحده هستند یکی از آنان در امور ملکی مؤیّد و موفّق است یعقوب یوسف و برادر دیگری ابراهیم و چقدر مساعده این احبّای فقیر محتاج را می‌نمایند بچند عدّه نجم باختر و البشاره مشترک گشته و بین دوستان این مدینه مرتباً این جرّاید امریه را توزیع می‌نماید و چندی قبل مبلغ نوزده جنیه اعانه‌ئی از برای احبّای لندن بواسطه روزنبرگ فرستاده بود همین جوان ایرانی مستر یوسف از من رجا نموده که بحضور عرض نمایم که هر گاه مبلغی را باین صفحات ارسال فرمایند تمام مصارفش را بر عهده خواهد گرفت چه که در امور ملکیش الحمد لله موفّق است پدر روحانی این جمع احبّا مستر Hall حال است که حتّی امور معیشت را فراموش نموده از یک محل بیک محل از یک کلیسیا بیک کلیسیا رفته میکوشد و میجوشد که نفوس را آگاه کند یک دختری دارد که حال اماء الرّحمن ایران را که سالهای سال در امر تربیت شده‌اند از حیث محبّت و حرارت ایمان مجسم می‌نماید حقیقهً بهیچوجه گمان نمی‌نمومد که همچو نفوسی در این مدینه هستند مرکز امر فی‌الحقیقه در منچستر است نه در لندن مستر ریمی و یک جوان هندو که در نزدیک این شهر تحصیل میکرد و دکتر اسلمون این جمع احبّا را این چند ماه اخیر خوب به شعله آورده‌اند و آنچه عرض نمایم باز بآن نحوی که باید و شاید تعریف و توصیفشان را نموده‌ام بچه شوقی تحصیل تاریخ و تعالیم امر را می‌نمایند تشنه بشارات امریه‌اند و عجب عشقی باسم عبدالبهاء دارند جمیعاً عریضه‌ئی تقدیم نموده‌اند و امضای هر یک در ذیل و لفاً در این عریضه بساحت اقدس تقدیم میگردد رجا و استدعای صمیم آنست که لوح غرّائی بافتخارشان جمیعاً نازل گردد و اسامی هر یک از قلم مبارک ذکر شود و بواسطه

این فانی ارسال شود تا باحسن عبارات ترجمه نموده از برای این نفوس خالصه ارسال دارم شور و ولهشان را اضعاف ماقبل خواهد نمود و فی الحقیقه سزاوار و مستحقّند سه چهار روزی در این جا اقامه خواهم نمود و بقدر امکان در منزل هر یک خواهم رفت هر چه قدر حقیر و پست باشد فی الحقیقه مستحقّ هر گونه عنایتند و کم نفوسی هستند در تمام بلاد غرب چه اروپ و چه امریک که بمثل این نفوس قابل عنایات و الطاف کلّیه باشند این مستر هال خدمات شایانی خواهد کرد و دخل به هیچ کدام از احبّای لندن حتّی از قدمای احبّای و مؤمنات ندارد ولی ملاقات این نفوس روح را حرارتی می بخشد که چه عرض نمایم چقدر از فحوی لوح مبارک که بافتخار احبّای نجف آباد یک دو ماه پیش نازل شده و ذکر این خانم و مشرق الأذکار را می فرمایند مسرور و مشتعل گشتند عجب اطمینان و ایقانی دارند مثل کوه مطمئن هستند که این امر جهانگیر خواهد شد و کوشش و سعیشان از حدّ وصف خارج استدعای دیگرم آنست که عنایتی ولو دو کلمه باشد بافتخار یعقوب یوسف نازل گردد چه که با اموالش بسیار مساعده دوستان محتاج این مدینه را می نماید و نه همین مساعده ملکی می نماید بلکه بسیار با حرارت و محبّت است و او و دو برادرش فی الحقیقه مؤمنند از من خواهش و التجا نموده که حضور عرض نمایم که تأیید مبارک شامل حالش گردد تا قوه بیان یابد و در تحریر و تقریر براءت حاصل نماید و باین واسطه خدمت شایانی باین امر کند امیدم چنانست که دعایش مستجاب گردد این عریضه بطول انجامید و اسباب تصدیع خاطر مبارک گشت ولی به نحوی دیشب از ملاقات این احبّای حقیقی جمال مبارک متأثر گشتم که شب را راحت نخواهیدم تا صبح شود و این عریضه را عرض نموده تفصیل حالشان را به تفصیل در ساحت اقدس ذکر نمایم خیلی تعریف این نفوس را از چند ماه گذشته از بعضی شنیده ام ولی ابداً گمان نمی نمودم که چنان باشد عجب نفوسی مانند این خانم و مستر هال مبعوث شده اند و چه ترقّی سریعی در عالم امر می نمایند سال گذشته از قرار مسموع ابداً این حال را نداشتند روز بروز بهتر و محکّمتر و خالصتر میگردند امیدم چنانست که لحظات اعین رحمانیّت همواره شامل حالشان باشد در لندن لیدی بلامفیلد را ملاقات نمودم و خیال دارد که این زمستان را به حیفا مشرف گردد و همچنین همشیره تیودریول و از من خواهش کرد که ذکرش در عریضه ام نمایم و عرض نمایم که ایام کلیفتون هیچوجه از نظرش محو نخواهد شد یوحنا داود و ضیاءالله هر دو عرایض عبودیت و محویت بخاکپای مبارک تقدیم می نمایند عنقریب به اکسفورد مراجعت نموده رشتۀ کارم را دوباره خواهم گرفت و از قراری که لیدی و روزنبرگ و کروپر ذکر می نمایند بیانات و الواح جمال مبارک بعبارات احسن و افصح از قبل ترجمه شده تأیید و توفیق مبارک را همیشه ملتزم و رجامندم

بنده خاک آستانت شوقی

۲ اکتوبر ۱۹۲۱

مستر هیلز Healds که در این عریضه ذکرش را نموده ناطق و مطلع است و در معبد و کلیسیا علناً صحبت میکند و وعظ می نماید و ذکر امر و نام حضرت بهاءالله را بر زبان میراند اگر عنایتی در حقش شود بر حرارت و شورش خواهد افزود مجلس پروتستانی در منزلش امشب داشتیم و سرود و اشعار به فارسی و انگلیزی خواندیم بی نهایت خود و دخترش که مؤمنه است مسرور و متبّهج گشتند از جمله احبّاء مطلع و متنفّذ منچستر است دیگر آنچه برضای مبارک است

شوقی

از قرار معلوم این خانمی که گیسویش را که تقدیم مشرق الأذکار نموده در امور زندگانش بسیار بسیار در زحمت است و فرینش مؤمن نه و ازین جهت این خانم آن طوری که باید و شاید ملاطفت و مصاحبت با او نمی نماید مستر هال رجایش آنست که بدو

کلمه او را امیدوار فرمایند و امر بمدارا و محبت باو فرمایند عکس جمعیتی احباً هم برداشته شد و قریب سی نفر از احباً موجود و جناب آقا ضیاءالله که اسبابش را در این جا فراهم آورده‌اند یک نسخه بساحت اقدس خواهند ارسال داشت جناب مستر یوسف مذکور کره اخری از بنده رجا نموده‌اند که دعای او و استدعایشان از محضر مبارک که قوه بیان از برای ترویج کلمه الله عنایت گردد مستجاب شود

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر